

The role of freedom in the efficiency of the political system With emphasis on the Holy Quran

Seyed Kazem Seyed Bagheri*

Mehdi Hosni Bagheri**

Abstract

Efficiency is one of the key concepts in evaluating the performance and success of political systems. Many internal and external factors can affect the efficiency of political systems, one of the most important of which is political freedom. This article seeks to examine the link between the freedom and efficiency of the political system and proposes the question that the higher the degree of political freedom of citizens in Islamic society, the greater its success and efficiency. More will reach its goals. The research method of this article is descriptive-analytical and finally the authors conclude that attention is paid to the indicators of political freedom such as political participation, right to vote, expansion of dialogue space and clarification of ideas, providing the basis for top choice. And meritocracy can lead to greater efficiency of the Islamic system.

Keywords: Political freedom, efficiency, political participation, right to vote, meritocracy.

* Associate Professor, Department of Politics, Research Center for Islamic Culture and Thought,
(Corresponding Author) sbaqeri86@yahoo.com

** Assistant Professor of Political Science, Islamic Azad University, Bafat Branch,
mehdi.hassanibakri@gmail.com

Date received: 08/02/2021, Date of acceptance: 15/08/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش آزادی در کارآمدی نظام سیاسی با تاکید بر قرآن کریم

سید کاظم سیدباقری*

مهدی حسنی باقری شریف‌آباد**

چکیده

کارآمدی یکی از مفاهیم مهم در ارزیابی کارکرد و میزان موفقیت نظام‌های سیاسی است. عوامل درونی و برونی بسیاری می‌تواند بر کارآمدی نظام‌های سیاسی تاثیرگذار باشد، یکی از مهم‌ترین این عوامل آزادی سیاسی است. این مقاله در پی بررسی نقش آزادی در کارآمدی نظام سیاسی در چارچوب نظریه ساختار - کارگزار است و با طرح پرسشی در همین زمینه این فرضیه را مطرح کرده که با تاکید بر ادبیات و منطق قرآن کریم، هرچه میزان آزادی شهروندان در نظام سیاسی بالاتر باشد، موفقیت و کارآمدی آن نیز افزایش می‌یابد و به میزان بیشتری به هدف‌های خود خواهد رسید، توجه و اهتمام به شاخصه‌های آزادی سیاسی مانند مشارکت سیاسی، حق انتخاب، گفتگوی انتقادی و شفاف‌سازی اندیشه‌ها، انتخاب برتر و شایسته سالاری، می‌تواند به کارآمدی هر چه بیشتر نظام سیاسی منجر شود. نوآوری نوشته تمرکز بر نقش آزادی در کارآمدی نظام سیاسی با توجه به شاخص‌های آن است. روش این مقاله، توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: آزادی سیاسی، کارآمدی، نظام سیاسی، ساختار-کارگزار، مشارکت سیاسی، حق انتخاب، شایسته‌سالاری.

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (نویسنده مسئول)، sbaqeri86@yahoo.com

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بافت، mehdi.hassanibakri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

«کارآمدی» واژه‌ای است که می‌توان پیشینه آن را به روزگاران کهن رساند. روح جاری در بسیاری از متون کهنی چون سیاست‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها، توصیه‌هایی برای کارآمدی هر چه بیش‌تر نظام سیاسی است. در طراحی ساختارهای سیاسی دوره جدید، تلاش شده است تا نظام‌های سیاسی به گونه‌ای سامان‌دهی شود و قدرت‌ورزی به شکلی در جامعه جریان یابد که کارآمدی بیشتری داشته باشد، لذا طراحان نظام مردم‌سالار در عرصه سیاسی دریافته‌اند که هر قدر آزادی، عدالت، مشارکت و همیاری سیاسی، نظارت بر قدرت و پابندی به آموزه‌های اخلاق سیاسی در نظام سیاسی بیشتر باشد، کارآمدی آن بالاتر خواهد رفت. در جامعه‌ای آزاد که شهروندان بتوانند بدون هراس از قدرت و ثروت، دیدگاه خویش را بیان کنند و برنامه‌ها و تصمیم‌های کارگزاران را نقد و ارزیابی کنند، آنان با آن نظام، احساس همراهی و هم‌ذات‌پنداری کرده، هم برای کامیابی آن می‌کوشند و هم به کارآمدی آن یاری می‌رسانند و در برابر ناکامی‌ها و شکست‌های آن، صبوری پیشه می‌کنند. در جامعه آزاد، صاحبان قدرت، از طریق اظهار نظرها، گفتگوی آزادانه و انتقادی شهروندان، به مشکلات و چالش‌های نظام سیاسی در سیاست‌گذاری‌ها، قوانین و برنامه‌ها آگاه می‌شوند و فرصتی فراهم می‌شود تا نظام سیاسی، تصمیم‌های سخنة، پخته و سنجیده بگیرد و به نوعی جامعیت و همه‌جانبه‌نگری دست یابد.

هدف این نوشته بررسی نقش آزادی سیاسی (در این نوشته منظور از «آزادی»، «آزادی سیاسی» است) در افزایش کارآمدی نظام سیاسی بر اساس چارچوب نظری ساختار - کارگزار و با تاکید بر دیدگاه قرآن کریم است. پرسش اصلی، بر گرد این محور شکل گرفته است که از منظر قرآن کریم به عنوان منبع اصیل و اصلی اندیشه سیاسی اسلام، آزادی سیاسی چه نقشی در کارآمدی نظام سیاسی دارد؟ در فرضیه بر این امر تاکید شده است که هر قدر آزادی سیاسی شهروندان به عنوان کارگزاران و عوامل در نظام و جامعه اسلامی بالاتر باشد، موفقیت و کارآمدی نظام سیاسی نیز افزایش یافته و به میزان بیش‌تری به اهداف خود خواهد رسید، برای بررسی و سنجش فرضیه برخی از شاخص‌های مهم آزادی سیاسی مانند مشارکت سیاسی، حق انتخاب، گسترش فضای گفت‌وگو و شفاف‌سازی اندیشه‌ها، انتخاب برتر و شایسته سالاری، مطرح و تلاش شده از منظر اندیشه سیاسی اسلام و با استناد به شواهد موجود در آیات و روایات و منطبق برآمده از قرآن کریم،

نقش آن‌ها در کارآمدی نظام سیاسی اسلام به بحث گذاشته شود. روش تحقیق به کار گرفته شده در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و با بهره‌گیری از چارچوب نظری ساختار-کارگزار به انجام رسیده است.

۲. پیشینه پژوهش

مباحث و ادبیات مربوط به کارآمدی از سابقه‌ی زیادی در ادبیات سیاسی ایران برخوردار نیست، اما کتاب‌ها و مقالات چندی در این زمینه نوشته شده است، در ادامه به برخی از این آثار اشاره می‌شود.

محمدجواد لاریجانی (۱۳۷۳) کتابی دارد با عنوان «حکومت؛ مباحثی در مشروعیت و کارآمدی». وی در این کتاب تلاش کرده است تا ضمن تمایز قایل شدن میان مفاهیم «مشروعیت» و «کارآمدی»، ساختاری معقول را از حکمرانی ارایه دهد. علاوه بر این دو مفهوم، مفاهیم «عمل ارادی» و «عقلانیت عمل» نیز مورد تاکید قرار گرفته است. مباحث عمده این کتاب پیرامون کارآمدی در اندیشه سیاسی، حول سه محور «دولت برنامه‌دار و دولت مشکل‌گشا»، «آزادی فردی و سازماندهی» و «ایمنی در مقابل فساد» تدوین شده است.

بهرام اخوان کاظمی (۱۳۸۶) در کتابی با عنوان «درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام» تلاش کرده است تا به پرسش‌هایی درباره مفهوم نظری و عملی کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، شاخص‌ها و راهکارهای افزایش آن پاسخ دهد. وی در چهار فصل، به کارآمدی در علم مدیریت و نظریات توسعه پرداخته و کارآمدی در اندیشه امام علی (ع) شاخص‌های مهم آن در نهج‌البلاغه را بررسی کرده است.

علیرضا زهیری (۱۳۹۷) در کتاب «درآمدی به مسأله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران» به چالش‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح ساختار و کارکردهای آن پرداخته است. این کتاب رویکردی آسیب‌شناسانه دارد و در پی آن است تا فاصله وضع فعلی را با آرمان‌های نظام سیاسی و انتظارات مردم تبیین کند. نویسنده با دست‌مایه قراردادن نظریه حکمرانی خوب و با تاکید بر جنبه مردم‌سالارانه آن تلاش کرده است با توجه به مواردی چون شرکت دادن نهادهای مدنی و حکمرانی و دخالت

بخش خصوصی در انجام امور، چالش‌های کارآمدی و عوامل تاثیرگذار بر وجوه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بررسی کند.

مرتضی نبوی (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان «جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های کارآمدی» چالش‌های نظام سیاسی را در دسترسی به بعضی اهداف و انجام برخی وظایف و کارویژه‌های خود را با استفاده از رویکرد کارکردگرایی سیستمی در مواردی مانند وضعیت ساز و کارهای داخلی، فرایند تصمیم‌گیری سیاسی و تطبیق با شرایط متغیر محیطی به بحث بگذارد.

مجید کاشانی (۱۳۸۳) در مقاله «کارآمدی نظام و رویکردهای نظری آن» دیدگاهی جامعه‌شناسانه به مقوله کارآمدی دارد. از دیدگاه او کارآمدی در محیط اجتماعی نمود می‌یابد و به مثابه یک وجه عام زندگی دربرگیرنده مفاهیمی مانند توانایی، قدرت‌مندی، بهره‌وری، همراهی، همسازی و مشارکت است. وی در ادامه با سه رویکرد اساسی کارکردگرایی، فرهنگی و سیاسی کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار داده است.

محمد جواد نوروزی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص کارآمدی نظام سیاسی اسلام در ساحت مشروعیت» بر آن است که دین کارآمدی لازم را برای مدیریت جامعه داراست و می‌تواند نقشی اساسی را در جهت فائق آمدن بر موانع داخلی و خارجی و بهره‌وری مطلوب از ظرفیت‌های نظام سیاسی در جهت کارآمدسازی آن فراهم کند.

در این میان، هیچ یک از کتب و مقالات، مستقیماً به نقش آزادی در کارآمدی نظام سیاسی نپرداخته است، لذا نوآوری این نوشته تاکید و تمرکز بر این امر همراه با شاخصه‌های آزادی با توجه به چارچوب نظری ساختار-کارگزار از منظر قرآن کریم و مراجعه به آیات و روایات مرتبط است.

۳. بیان مفاهیم

۱.۳ کارآمدی

آنچه امروزه به عنوان کارآمدی می‌شناسیم معادل انگلیسی واژه Effectiveness و فرانسو Efficiency است که در عربی «فعالیه» خوانده می‌شود. در زبان فارسی و در فرهنگ‌های لغت فارسی کارآمدی به معانی چون «به کار آمدن»، «خدمت کردن»،

«شایستگی»، «اثر بخشی»، «تأثیر»، «سودمندی»، «کارایی» و «فایده» آمده است. در علم مدیریت، کارآمدی در کلی‌ترین تعریف آن شایستگی و کاردانی در تأمین اهداف بیان شده است. (ذوعلم، ۱۳۸۶: ۱۱۱)

از آن‌جا که نظام سیاسی گسترده‌ترین، با نفوذترین و کلان‌ترین ساختار و نمود نظام‌های اجتماعی است، بنابراین کارآمدی آن نیز اهمیت زیادی می‌یابد. ورود مباحث کارآمدی به عرصه‌ی سیاست همزمان با طرح نظریه‌های مربوطه به توسعه در این علم است. در ابتدا کارآمدی به عنوان مولفه‌ای مشروعیت‌زا و مؤثر در بقاء، استحکام، رشد و ترقی نظام‌های سیاسی مطرح گردید و مورد توجه اندیشمندانی مانند «سیمور. م. لپیست» قرار گرفت. از دیدگاه وی کارآمدی مسأله‌ای با ماهیت ابزاری است و می‌توان آن را تحقق عینی یا توان نظام در دستیابی به کارکردهای اساسی نظام‌های سیاسی دانست، به شرط آن‌که نمودها و نتایج آن برای اکثریت مردم و گروه‌های درون نظام قابل لمس باشد. (لیپیست، ۱۳۷۴: ۱۰)

در تعریفی دیگر، کارآمدی سیاسی، ابتدای حکومت بر مبانی، اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های روشن و مورد قبول شهروندان تحت حاکمیت خود همزمان با برخورداری از ساختار سیاسی منسجم و ظرفیت‌ها و ابزارهای لازم مدیریتی و اقدام به موقع برای نیل به اهداف میانی و نهایی خود تعریف شده است. (کلانتری، ۱۳۹۳: ۴۷۱) به طور کلی در تعریف‌هایی که از کارآمدی شده است دو عنصر اصلی تعیین هدف‌ها و تلاش برای رسیدن به آن‌ها و کسب رضایت خاطر گروه‌های هدف به چشم می‌خورد و لذا کارآمدی به معنی سنجش میزان دستیابی نظام سیاسی به اهداف خود با لحاظ امکانات، فرصت‌ها و موانع است.

در کنار تعریف‌های گوناگون از کارآمدی، باید به این نکته توجه داشت که کارآمدی مفهومی چند سطحی و چند بعدی است. در سطح اول باید بعد عمومی آن را نظر گرفت. در این بعد توانمندی‌هایی مد نظر قرار می‌گیرد که در مورد همه موجودیت‌ها و به ویژه نظام‌های سیاسی مصداق پیدا می‌کند. این نوع کارآمدی‌ها در حوزه سیاست ملایم، مسائل امنیتی، دفاع از مرزها و تمامیت ارضی معنا می‌یابد. بعد دوم بیشتر ناظر بر ضوابط ارزشی و هنجاری حاکم بر نظام‌های سیاسی است. بیشترین تفاوتی که در ارزیابی کارآمدی حکومت‌ها وجود دارد، مربوط به این بعد می‌شود. (شفیعی و نیک بین، ۱۳۹۴: ۷۶)

۲.۳ آزادی سیاسی

با وجود تعاریف مختلفی که از زوایای مختلف از آزادی سیاسی انجام شده است، (ر.ک. سیدباقری و حسنی باقری، ۱۳۹۸: ۱۲) می‌توان گفت که آزادی سیاسی، یعنی افراد، گروه‌ها و تشکل‌ها برای انجام فعالیت‌های مطلوب سیاسی، می‌توانند و مجال می‌یابند تا با گذر از بندهای درونی، از موانع بیرونی سیاسی-اجتماعی و تحمیل ظالمانه قدرت، رهایی یافته و با برخورداری از حقوق شهروندی، در جهت کمال انسانی حرکت کنند. در این تعریف، موانع درونی و بیرونی هر دو در نظر گرفته می‌شود و بحث «تحمیل ظالمانه» مد نظر است که قدرت مطلوب و حاکمیت مشروع، خود می‌تواند/باید بستر ساز و تضمین‌کننده آزادی باشد و نه مانع آن.

۴. چهارچوب نظری

هر جامعه را می‌توان متشکل از دو دسته عوامل تاثیرگذار دانست؛ دسته اول عواملی است که در حکم بازیگران و عاملین رویدادها و تحولات هستند و دسته دوم، زمینه و بستر شکل‌گیری و فعالیت آن‌ها. بین این دو عامل روابطی وجود دارد که مرکز اصلی نظریه‌های سیاسی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد. آنچه در این جا مورد توجه قرار می‌گیرد میزان و نقش هر یک از این عوامل، به تنهایی یا در تعامل با یکدیگر است. از عوامل یاد شده در نظریه‌های اجتماعی با عنوان «کارگزار» (Agency) و «ساختار» (Structure) یاد می‌شود. بسیاری از نظریه‌های اجتماعی را می‌توان بر اساس تاکیدی که بر هر یک از عوامل ساختار یا کارگزار؛ یا تعامل میان این دو دارند به دسته‌های متمایز تقسیم کرد.

ساختارگرایان، بر ساختار و تفوق آن بر کارگزار تاکید دارند. ساختارگرایی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در رشته‌های مختلفی چون فلسفه، نظریه اجتماعی، زبان‌شناسی، تاریخ اندیشه و... مطرح شد. «یان کرایپ» معتقد است با این که نمی‌توان تعریف دقیقی از آن ارائه داد، اما دارای چنان اهمیتی است که برای مدت‌ها منزلت یک «آیین» را کسب کرده بود. (کرایپ، ۱۳۸۱: ۱۶۵) از این دیدگاه، ساختارها بستر رفتار کارگزاران را شکل می‌دهند و مسیر ناگزیر آنان را رقم می‌زنند. ساختارگرایان نقش فرد را در تحولات اجتماعی مهم نمی‌دانند و اعتقاد دارند ساختارها تعیین‌کننده رفتار کارگزاران هستند. از این رو شناخت شالوده ساختارها برای درک رفتار کارگزاران اهمیت می‌یابد.

نقش آزادی در کارآمدی ... (سید کاظم سید باقری و مهدی حسینی باقری) ۱۰۱

(درستی، ۱۳۷۹: ۲۳۲) در ساختارگرایی افراد فراتر از چارچوب‌ها یا ساختارها نمی‌توانند عمل کنند و کنش فردی در داخل ساختار امکان‌پذیر است. (حقیقت، ۱۳۸۹: ۱۵۴) بیش‌ترین تأکید بر مسأله ساختار از سوی مارکسیست‌ها شده است. در واقع مسأله اصالت ساخت، پیوندی نزدیک با مهم‌ترین مسأله مارکسیسم یعنی «زیربنا» و «روبنا» پیدا می‌کند. (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۸۴)

در مقابل، تأکید نظریه‌های دسته دوم بر کارگزار یا عاملیت است. این دیدگاه بر اراده آزاد انسانی دلالت می‌کند. کارگزاران عامل‌ها و کنشگرانی هستند که می‌توانند دست به کنش و عمل اجتماعی بزنند. به موازات این‌که مردم وارد ارتباط اجتماعی می‌شوند و حسی از فردیت و مسئولیت به دست می‌آورند، دایره تأثیرگذاری کارگزار نیز گسترش پیدا می‌کند. «این دیدگاه دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از نظریه‌پردازان از طرفداران انتخاب عقلایی، انتخاب عمومی، کثرت‌گرایان تا طرفداران نظریه مبادله است. نظر این گروه این است که تبیین اجتماعی را باید از فرد شروع کرد، پژوهشگر باید مقاصد، آرزوها و منافع فرد را در اقدام به یک عمل اجتماعی ارزیابی یا پیش‌بینی کند. (درستی، ۱۳۷۹: ۲۳۱-۲۳۲)

مهم در این میان آن است که ساختار و کارگزار را می‌توان منطقاً مستلزم یک‌دیگر دانست. بر این اساس یک ساختار اجتماعی یا سیاسی به دلیل قید و بندهایی که بر کارگزاری می‌زند و یا فرصت‌هایی که برای آن فراهم می‌آورد، تداوم می‌یابد و عملاً نمی‌توان ساختار بدون کارگزار و بالعکس را تصور کرد. (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۳۰۴) لذا نوعی روابط تعاملی و تکاملی میان آن دو برقرار است. در این زمینه باید به نظریه بازاندیشانه «ساخت‌یابی» «آنتونی گیدنز» اشاره کرد. گیدنز دیدگاهی ترکیبی را مطرح می‌کند و تلاش دارد ارتباط عامل و ساختار را به گونه‌ای متفاوت حل کند. در وجه نخست وی از این ایده که ساختار امری از پیش موجود است و همچنین دیدگاهی که فقط عاملیت فرد را می‌پذیرد، فاصله می‌گیرد. گیدنز معتقد است ساختارهای اجتماعی فقط واقعیت‌هایی محدودکننده نیستند، بلکه محصول شرایط اجتماعی‌اند که از طریق کنش اجتماعی بازتولید می‌شوند. تأکید این نظریه بر تولید متقابل ساختار و کنش است. ساختار و عاملیت هیچ‌کدام به تنهایی تعیین‌کننده نیست، بلکه به طور اجباری در رفتار سیاسی دخیل‌اند. (معینی علمداری، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۳) در بحث رابطه آزادی سیاسی و کارآمدی سیاسی به نظر می‌رسد که روابطی متقابل میان آن دو وجود دارد و هر مقدار عوامل و تجربه‌گران

آزادی سیاسی که شهروندان باشند، دارای آزادی بیشتری باشند و بتوانند در امور جامعه خویش آزادانه نقش بازی کنند، بر کارآمدی سیاسی نظام می‌افزایند و آن را در رسیدن به اهداف خویش، بیشتر یاری می‌کنند؛ از دیگر سو، آن گاه که کارآمدی نظامی افزایش یابد، شهروندان نیز آزادی بیشتری را تجربه می‌کنند، زیرا که نظام سیاسی به تجربه و در عمل، درمی‌یابد که بخشی عمده از حل مشکلات سیاسی جامعه، برای آن است که شهروندان مجال یافته‌اند تا بدون ترس از مراکز قدرت و ثروت، در امور جامعه خویش مشارکت کنند و به هنگام مشاهده کاستی‌ها و آسیب‌ها، آزادانه از فرایند برنامه‌ها، رفتارها و گفتارها، انتقاد کنند و آن را به سوی اصلاح، هدایت کنند. چنین است که نظام سیاسی انگیزه می‌یابد تا هم‌چنان حضور آزادانه مردم در امر قدرت را بیشتر و نهادینه‌تر سازد. البته نقطه تمرکز این نوشته، بررسی نقش آزادی در کارآمدی نظام سیاسی است.

۵. نقش شاخصه‌های آزادی در کارآمدی نظام سیاسی

اگر کارآمدی، بیانگر قابلیت و توانایی نظام سیاسی در دستیابی به هدف‌های تعیین شده و حل مشکلات، با توجه به امکانات و موانع باشد، این مهم زمانی اتفاق می‌افتد که شهروندان به طور ملموس این فرایند را درک و حس کنند. آزادی سیاسی متعلق به شهروندان است و آنان کارگزاران نظام هستند. کارگزار در کنش با ساختار اگر از آزادی سیاسی مطلوبی برخوردار باشد، ضمن بالابردن مشارکت، دائماً ساختار موجود را در پرتو آزادی سیاسی مورد رصد قرار می‌دهد و بر آن نظارت دارد و موجب می‌شود ساختار نیز در رسیدن به هدف‌های تعیین شده با موانع کمتری روبرو شده و یک گام به کارآمدی نزدیک‌تر گردد. در این‌جا کارگزاران یا به تعبیری عاملین برای نظام اسلامی در حکم قوای عمل‌کننده هستند و تحقق اهداف و انجام کارویژه‌های مختص نظام جز با وجود آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

بنابراین آنچه در رابطه میان آزادی سیاسی و کارآمدی نظام سیاسی با توجه به الگوی «کارگزار-ساختار» اهمیت می‌یابد پاسخ به این پرسش است که آزادی سیاسی به عنوان یکی از بسترها و زمینه‌هایی که در سطح ساختاری نظام سیاسی عمل می‌کند چه نقشی در کارآمدی نظام سیاسی بازی می‌کند؟ آزادی سیاسی در وجوهی چون «مشارکت سیاسی»، «حق‌گزینش»، «گفت‌وگو، نقادی و شفاف‌سازی اندیشه حق» و «انتخاب برتر و

شایسته‌سالاری» می‌تواند موجب رضایت عمومی و بالا رفتن سطح همکاری با نظام و در نهایت افزایش کارآمدی شود. در ادامه برخی از زوایای این بحث و اشکافته می‌شود.

۱.۵ مشارکت سیاسی

کارآمدی، آزادی و حق مشارکت، ارتباطی معنادار با هم دارند. در مشارکت سیاسی و نظام مردم سالار، همه بحث از انتخاب آزادانه است و اگر این عنصر از آن گرفته شود، نظام سیاسی به سمت استبداد خواهد رفت، با توجه به همین امر است که مشارکت سیاسی و آزادی، دو عنصر همزاد و همگام‌اند. «مشارکت سیاسی را فعالیت شهروندان به منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی دولت تعریف کرده‌اند. (هانتیگتون، ۱۳۷۳: ۷۷) در «فرهنگ جامعه‌شناسی»، مشارکت سیاسی، شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد، تعریف شده است. (آبراکسی و دیگران، ۱۳۷۶: ۲۸۶) در تعریفی دیگر از مشارکت سیاسی، بر رفتار اثرگذار بر نتایج حکومت تاکید شده است. (مصفا، ۱۳۷۵: ۲۱) از دیگر سو، جایگاه و نقش مشارکت سیاسی تا اندازه‌ای مهم است که برخی این عنصر و نقش مردم در امور جامعه را عنصری جدی در تعریف آزادی سیاسی لحاظ می‌کنند و بر این باورند که آزادی‌های سیاسی مجموعه امتیازاتی است که اهالی کشور برای مشارکت در حیات سیاسی به آن نیاز دارند و در قالب حقوق مدنی مانند: «حق رأی، حق داوطلبی و حق عضویت در احزاب سیاسی» و در قالب حقوق سیاسی مثل: «آزادی رقابت اندیشه‌ها، آزادی انتخابات و آزادی تعیین زمامداران» ظاهر می‌شود. (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۶۹)

حاکمیت و حکومت در نگرش قرآنی، جلوه آرمان سیاسی مردمی است هم‌کیش و هم‌فکر که با همکاری و همیاری خود سامانه‌ای می‌سازند تا در فرایندی آزادانه راه به سوی اهداف جامعه اسلامی بگشایند. پویش جامعه به سمت این اهداف، بستر ساز شکوفایی استعدادهای جامعه است، امری که اجرای آن در گرو مشارکت فعال و گسترده همه افراد در روند تحول جامعه است تا در سراسر مراحل اجرایی، تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نقش سرنوشت‌ساز داشته باشند. «با در نظر گرفتن همین مهم است که در اندیشه اسلامی با توجه به قاعده «الناس مسلطون علی انفسهم»، حق حاکمیت برای غیر، به دلیل نیاز دارد و

با توجه به مفاد این قاعده کسی نمی‌تواند بر آنان سلطه داشته باشد، مگر آن که فرد از جانب آنان در امر حکومت وکیل یا نماینده آنان باشد. (تجلیل، ۱۳۷۹: ۳۸۱)

در منطق قرآن کریم، بر اصل همکاری در امر نیک و مشارکت فراگیر تاکید شده است و گذر از نظام استبدادی، امری بنیادین است که با برانداختن آن، زمینه برای بسیاری از امور نیک دیگر فراهم می‌شود. مسلمانان امر شده‌اند تا در نیکی و پرهیزکاری، یاور هم باشند و در گناه، ستم و دشمنی، همکاری نکنند:

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (مائده، ۲)

و در کلامی علی (ع) تاکید دارد که درخواست تعاون، برای برپایی حق، دیانت و امانت‌داری است:

طَلَبُ التَّعَاوُنِ عَلَىٰ إِقَامَةِ الْحَقِّ دِيَانَةٌ وَ أَمَانَةٌ (لیثی الواسطی، ۱۳۷۶: ۲۸۴)

شهروندان رفتارهای مستبدانه و اسارت‌آور حاکمان مستبد و ستمگر را به سادگی درمی‌یابند. آموزه‌های گوناگونی که در قرآن و روایات بر آن تاکید شده است، همه حکایت از آن دارد که برای رویارویی با حاکمان که بزرگترین «اِثم» و «عدوان» در جامعه اسلامی به‌شمار می‌رود، باید دست در دست هم نهاد و با آن مقابله کرد.

در راستای همکاری، باید رویارویی با ستم انجام شود، زیرا گاه گروه‌هایی بر پایه دشمنی وجود دارد که هدف آنها ستم به مردم و به زنجیر کشاندن آنان است، مثل همکاری سازمان‌های ستمگر علیه ملت‌های ستم‌کشیده که امری ناخجسته و سیاه است؛ اما گاه نیز هم‌دستی‌هایی برای گسترش خیر است. نیکی به معنای بهره‌کشی از دیگری نیست، بلکه نیکی آن است که هم خود و هم دیگران بهره‌مند شوند. هدف از تعاون باید گسترش نیکی و رویارویی با بدی باشد. قرآن کریم، در مقابل «بر»، «اِثم» را قرار می‌دهد و در برابر «تقوی»، «عدوان»، پس اِثم چنگ انداختن به اموال مردم است با فریب، کلک، دزدی، احتکار، همکاری با قدرت‌های ستمگر و قسم دروغ. در حالی که «عدوان» با قدرت، چیره شدن بر حقوق مردم است بدون آن که فرد، مجوزی داشته باشد. (ر.ک. مدرسی، ۱۴۱۹ ق: ۲۹۳)

چنین است که حق آزادی لگدمال می‌شود و کارگزار آزادی نمی‌تواند نقشی در کارآمدی نظام سیاسی بازی کند.

در تفسیر من وحی القرآن آمده است که همیاری برای نیکی و پرهیزکاری، شعار اسلامی برای زندگی و مردم است. آن چه که اول بار از «بر» به ذهن می‌آید نشان از خیر در

باور و عمل دارد، خدای متعال در آیه ۱۷۷ بقره می‌فرماید، نیکی، تنها این نیست که به هنگام نماز، روی خود را به سوی مشرق و یا مغرب کنید:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ (بقره، ۱۷۷)

در ادامه به مصادیق خیر اشاره می‌شود که عبارتند از ایمان به خدا، روز رستاخیز، فرشتگان، کتاب الهی و پیامبران؛ انفاق مال به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، واماندگان در راه، سائلان و بردگان؛ برپایی نماز؛ پرداخت زکات؛ وفای به عهد و شکیبایی در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ. (بقره، ۱۷۷) سپس سید محمدحسین فضل‌الله در این زمینه به طرح تعاون در اسلام اشاره می‌کند که آن را به عنوان پایه‌ای برای عملی شدن نیکی و پرهیزکاری در زندگی انسان، تلقی کرده است، زیرا که بسیاری از حالات این دو امر، با کوشش فردی به انجام نمی‌رسد، بلکه برای پیاده شدن آن، به هم‌افزایی تلاش‌های مختلف نیاز است، به ویژه در گستره‌هایی که از آنها رسیدن به نتایج بزرگ مد نظر است، ایشان در ادامه، به همکاری اجتماعی می‌پردازد و بر این امر تاکید دارد که راه‌های گوناگونی برای حل مشکل فقر و سختی گروه‌های محروم وجود دارد که به تعاون همگانی نیاز دارد و به تلاش‌های متنوعی که در تاب و توان فردی نیست، لذا این امور بدون همکاری و هم‌یاری، شکل نمی‌گیرد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق: ۲۶)

خداوند در سوره آل عمران نه تنها «صبر»، بلکه «مصابره» را مطرح می‌کند، گویی جامعه با همکاری و در کنار هم باید صبر داشته باشد، امری که بیشتر خود را در امور سیاسی-اجتماعی نشان می‌دهد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران، ۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! استقامت کنید و پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید، از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بر این امر تاکید کرده است که منظور از صبر، صبر تک افراد است، اما «مصابره»، عبارت است از این که جمعیتی با هم، اذیت و آزارها را تحمل کنند و هر کس با تکیه و اعتماد به صبر خود بر صبر دیگری، استواری ورزد، در نتیجه، برکاتی که در صبر وجود دارد، دست به دست هم می‌دهد، احوال افراد تقویت می‌شود، تأثیر آن بیشتر می‌گردد و این انرژی مثبت هم در حال شخصی فرد محسوس خواهد بود و هم در اجتماع؛ زیرا صبر در جمع نیز باعث می‌شود که نیروی

تک تک افراد به هم وصل شود». سپس ایشان درباره کلمه «و رابطوا»، می نویسد، «مربطه» از نظر معنا، اعم و فراتر از «مصاברה» است. چون در رابطوا منظور به وجود آوردن جامعه ای است که با پیوند میان نیروهای جامعه به یکدیگر، تشکیل می شود». (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۹۲) همه این امور با مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان به انجام می رسد.

این همیاری و مشارکت به نحوی است که همه شهروندان جامعه اسلامی در آن درگیر هستند و حقوق اقلیت نیز در کنار حقوق اکثریت باید حفظ و نگهداری شود و این متفاوت از نگرشی است که در دموکراسی وجود دارد، شهید صدر می نویسد، با روش دموکراسی سرمایه داری، اکثریت بر اقلیت و مصالح و مسائل حیاتی آن حکمرانی می کند، زیرا آزادی سیاسی به معنای ایجاد نظام، قانون گذاری و اجرای آن بر اساس حق اکثریت است. آن گاه که اکثریت، مهار حکومت و قانون گذاری را به دست گرفته است؛ سرنوشت اقلیت چه می شود؟ چه حقوقی می توان برای این گروه تصور کرد و انتظار داشت؟ آن هم در پرتو قوانینی که اکثریت وضع کرده و برای حفظ مصالح آنان است. رویکرد آن برای تحقق خواسته های اکثریت است، در حالی که به حقوق دیگران اجحاف می شود. (صدر، ۱۳۹۰: ۳۰) اما در نگره اسلامی، حقوق اقلیت، در کنار حقوق اکثریت باید حفظ شود. با این رویکرد به مشارکت، همه شهروندان، در امور جامعه و مسائل آن، حضور می یابند و با احساس مسئولیت برای رفع مشکلات و برداشتن موانع، در جهت کارآمدی نظام سیاسی، یاری می رسانند.

۲.۵ حق گزینش

با مشارکت آزادانه، به رسمیت شناختن حق گزینش گری و انتخاب شدگی و با دخالت سنجیده همگان در امور جامعه و سرنوشت کشور اسلامی، کارگزاران نظام سیاسی از خودرایی دور می شوند و می کوشند تا سازکارهای حضور فعال شهروندان در امور جامعه را فراهم سازند، اما اگر مردم از مسائل جامعه، بر کنار باشند، حاکمان در امنیتی دروغین فرورفته و هر گونه که دلخواه آنان است، عمل کرده، پیوند میان مردم و حاکمان گسسته شده و تعاملی سازنده میان آنان برقرار نخواهد شد، امری که در نهایت، قربانی آن آزادی سیاسی خواهد بود و ناکارآمدی نظام سیاسی را در پی می آورد.

نقش آزادی در کارآمدی ... (سید کاظم سید باقری و مهدی حسینی باقری) ۱۰۷

حق‌گزینش، بر این پیش‌فرض استوار است که انسان، قادر است، آزادانه انتخاب کند و لذا نفرت از پدرسالاری و پدرمآبی در عرصه سیاست از این باب است. (فولادوند، ۱۳۸۳: ۵۵) این حق را می‌توان در ساحت‌هایی مانند حق انتخاب‌گری، حق تعیین سرنوشت و حق انتخاب‌شدن پی‌جویی کرد.

انتخاب‌گری ویژگی خاص انسان است و کسی نباید این حق را از او بگیرد، امری که خداوند نیز به انسان واگذار کرده است. حق تعیین سرنوشت برای شهروندان هر جامعه‌ای است که خداوند به آن تصریح کرده است:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد، ۱۱)

به راستی، خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان هست، تغییر دهند.

بر اساس این آیه، انسان‌ها می‌توانند موانع درونی، بیرونی، فردی و اجتماعی خود را شناسایی و با رفع آنها زمینه دگرگونی‌ها در زندگی و سرنوشت خود را فراهم سازند. ویژگی حکومت‌های خودکامه پایمالی حقوق شهروندان، یکه‌تازی و خودبسندگی است به گونه‌ای که هیچ حقی برای انتخاب‌گری دیگران به رسمیت شناخته نمی‌شود، پس در نظام استبدادی «شخص در کاری که شایسته مشورت است بر رأی خویش اکتفا می‌نماید. استبداد، صفت حکمرانی است مطلق‌العنان که در امور رعیت چنان که خود خواهد تصرف نماید، بدون ترس و بیم از حساب و عقابی محقق». (کواکبی، ۱۳۶۲: ۴۳)

یکی از دیگر ساحت‌های حق انتخاب، آزادی در انتخاب شدن است، به معنای آن که افراد دارای آزادی و اختیاری باشند تا بتوانند در معرض‌گزینش دیگران قرار گیرند، اگر حق انتخاب‌گری وجود داشت به دنبال آن، حق انتخاب شدن نیز خواهد بود. امری که دایره کارگزاران نظام سیاسی را باز می‌کند و آن را از چرخه‌ای تکرارشونده و انحصاری به چرخش‌نخبگان می‌رساند و می‌تواند نیروهای جوان، خلاق و نواندیش را به چرخه قدرت وارد کند، عنصری که در کارآمدسازی نظام سیاسی، نقشی فعال بازی می‌کند. پیامد این امر، در کنار مشارکت، احساس مسئولیت است، دو امری که می‌تواند به احساس همراهی و هم‌ذات‌پنداری مردم با نظام سیاسی و سپس کارآمدی آن منجر شود. به بیان دیگر، با ظرفیت حق انتخاب‌گری و انتخاب‌شدگی، شهروندان از حق خویش بهره می‌گیرند و زمینه حضور نیروهای تازه‌کار و چابک و شایسته را فراهم می‌سازند و در عمل، زمینه

چالاک‌سازی نظام سیاسی فراهم می‌شود و ساختار موقعیتی می‌یابد تا با استفاده از نیروی جوان و انگیزه‌دار، به کارآمدی خود یاری رساند.

۳.۵ گفت‌وگوی انتقادی

فرایند طبیعی اندیشه‌ورزی جامعه به این نحو است که با گفتگوی انتقادی و تضارب آراء و تعامل اندیشه‌ها با یکدیگر زمینه طرح و عرضه آن‌ها فراهم شده، گفتار و اندیشه حق شفاف‌گردیده تا خواستاران حقیقت بتوانند آن را برگیرند و انتخاب کنند. با توجه به ادبیات و بیان قرآن کریم، یکی از اهداف بنیادین آزادی در جامعه اسلامی، شفاف‌سازی اندیشه حق است، با آزادی است که زمینه‌ها و مرزهای مکاتب شفاف می‌شود و بستر برای گرایش به سوی اندیشه حق فراهم می‌گردد.

در تاریخ تمدن اسلامی و اندیشه‌های برآمده از آموزه‌های اسلامی می‌خوانیم که اسلام باب فکر و اجتهاد را بر مسلمانان باز کرد، در فهم مسائل و احکام آن مکاتب و مذاهب متعددی امکان اظهار نظر پیدا کردند و تفکر اسلامی را پرپار کردند، این امر موجب شد تا کسی حق دیگران را در فهم مذهبی انکار نکند. مطلوب، پذیرش تعدد و غنی‌سازی آن با گفتگوهای ایجابی و تمسک به اصول بنیادین و اجماعی میان مسلمانان برای رویارویی با جبهه‌های مخالف است. (الصفار، ۱۳۶۸: ۱۲)

شهید مطهری با توجه به نقش اساسی آزادی سیاسی در تأمین شفاف‌سازی برای برجسته شدن اندیشه حق، بر این امر پافشاری داشت که باورها باید در فرایند گفت و شنود علمی به سنجه نقد خورند تا افراد بتوانند آزادانه و آگاهانه دست به انتخاب زنند. (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۲۴) آن گاه که این فرصت‌های گفتگو در محیط‌های سیاسی-اجتماعی و جوامع اندیشه‌ای فراهم شود، می‌توان به شفاف شدن مرزهای حق و باطل و برآمدن اندیشه حق، امید داشت.

در کلام خداوند، گفتگوی انتقادی، به طور عملی جلوه‌گر شده است. به تعبیر جوادی آملی، یکی از مصادیق عملی و عینی برای آزادی بیان و عقاید و ایجاد زمینه برای شفاف‌گردیدن گفتار و مسیر حق، قرآن کریم است. در این کتاب، گزارشی مفصل از دیدگاه‌های مخالفین درباره انکار معاد و شبهات آنان و پاسخ به آنها ارائه می‌شود.

سخن الهی از این مسأله مهم، بارها سخن گفته و فضایی باز برای تفکر آزادانه و منطقی در این باره به وجود آورده است. (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۹)

اگر در عرصه اعمال قدرت، آزادی وجود داشته باشد، یعنی قدرت سیاسی پذیرفته است تا روابط علمی و تعاملات گفتگویی در میان همه شهروندان برقرار باشد و نقد دیدگاه قدرتمندان، امری طبیعی تلقی گردد. در دایره نقادی است که سره و ناسره از هم جدا می‌شود، امام باقر علیه السلام، از حضرت مسیح نقل می‌کند که فرمود:

خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا تَقَادُ الْكَلَامِ فَكَمْ مِنْ ضَلَالَةٍ زُخِرَتْ بَايَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَمَا زُخِرَ الدَّرْهَمُ مِنْ نُحَاسٍ بِالْفِضَّةِ الْمُموَهَّةِ النَّظَرُ إِلَى ذَلِكَ سَوَاءٌ وَالْبُصْرَاءُ بِهِ خُبْرَاءُ. (مجلسی، ۱۳۹۲: ق: ۲۳۰)

حق را گرچه گوینده آن از اهل باطل باشد، بگیرید، اما باطل را گرچه گوینده آن اهل حق باشد، رد کنید، شما نقادان و سنجش‌گران سخن باشید. چه بسا گمراهی که با آیه‌ای از کتاب خدا آراسته شده باشد، همان طور که ممکن است درهمی از مس با نقره آراسته گردد که ظاهری مشابه سکه‌های اصل دارد و نگاه به آن دو یکسان است، اما افراد با بصیرت از ناخالصی آن باخبرند.

کژی‌ها و ناراستی‌ها در حوزه سیاست که فرایندی پیچیده و چندلایه دارد، با سنجه گفت‌وگوی انتقادی آشکار می‌گردند، در حالی که در نظام‌های استبدادی، فرد خودکامه می‌پندارد که همه حق همانند بسته‌ای است که به طور کامل آن را در اختیار او قرار داده‌اند، پس هر گونه نقد، متاعی ممنوع می‌شود و دیگران حق اظهار نظر و بیان دیدگاه خود را ندارند. قرآن کریم پندار فرعون به عنوان یک مستبد را چنین بیان می‌کند که او به بزرگان قوم خویش می‌گفت من جز خویشان را برای شما خدایی نمی‌شناسم:

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي (قصص، ۳۸)

فرعون خود را در جایگاه خداوند و مصون از خطا می‌پندارد و همه بدون تردید، باید بر آن گردن نهند. آن گاه که فرعون با اشراف و پیرامونیان خویش چنین مغرورانه سخن می‌گوید، تکلیف مردم عادی و زیردستان و ستم‌دیدگان روشن است. در این گمانه‌ها، اندیشه‌های متفاوت و دیدگاه‌های دیگر، اجازه بیان و بروز پیدا نمی‌کنند. این گونه است که ترس و خفقان جامعه را فرامی‌گیرد و هر اندیشه‌ای به جرم مخالفت و

رقابت با پنداره حاکم و قدرت غالب، سرکوب می‌شود و به سنگ تهمت و کج‌فهمی رانده می‌شود، لذا فرعون، حضرت موسی (علیه السلام) را به دیوانگی تهمت می‌زند:

قالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (شعراء، ۲۷)

[فرعون] گفت: «واقعاً این پیامبری که به سوی شما فرستاده شده، سخت دیوانه است.»

آن فرد خودبین، دیدگاهش را تنها معیار و مصداق حق می‌داند و تنها سخن اوست که پژواک‌گر حق است، هموست که حقیقت و مرزهای آن را مشخص می‌کند و از همین بزنگاه است که همه را پیروان و ستایشگران خویش می‌خواهد و با آنان که مخالفی کنند، برخورد شدید می‌شود.

باری این امر به ویژه در گستره سیاسی پیامدهای فراوان دارد، ساحتی که در آن رهایی از قید و بند دیگران، سخن دیگران، زندان‌های ساختگی قدرت و حقیقت‌یابی بیش از دیگر ساحت‌ها جای چالش و پرسش دارد. عرصه‌ای که در آن انسان، هر آینه امکان دارد، خطا کند و در مسیر جستجوی حقیقت، با افت و خیزهای بسیار روبرو گردد، با توجه به این امر است که حاکمان باید بدانند که دشواره‌های سیاسی را باید در گفتگو، مذاکره و نقد و انتقاد، تحلیل مطلوب کرد، امری که به شفافیت و زایش اندیشه بهتر می‌انجامد. فرایندی که در آن، نگرش‌ها و عقاید مختلف، طرح می‌گردد و راهی را که مردم به عنوان کارگزاران واقعی نظام سیاسی صلاح می‌دانند، برمی‌گزینند. این گفتگوی انتقادی، که در فرایند آزاداندیشی به انجام می‌رسد، دیدگاه‌های نو و متفاوتی به وجود می‌آورد که می‌تواند به کارآمدی نظام سیاسی منجر شود.

۴.۵ شایسته‌سالاری و انتخاب برتر

یکی از شاخصهای آزادی سیاسی شایسته‌سالاری، انتخاب برتر و آزادانه است که می‌تواند به کارآمدی نظام سیاسی یاری‌رسان باشد، زیرا آن گاه که انسان به فطرت خویش بازگردد و موانع انتخاب او برطرف شود، قول حق و دیدگاه شایسته را برمی‌گزیند. در عرصه اعمال قدرت، آن گاه که حاکمیت اجازه دهد تا افکار در روالی منطقی و سنجیده عرضه گردند، زمینه‌های انتخاب شایسته و برتر فراهم می‌شود. مشارکت سیاسی فعال، امروزه یکی از کلیدی‌ترین روشهای رویارویی با استبداد و تک‌تازی قدرتمندان است، این مهم، امروز تنها زمانی رخ می‌دهد که حضور آزادانه مردم در تکاپوهای انتخابی، فراهم باشد. انتخاب برتر

که به شایسته‌سالاری می‌انجامد آن گاه روی می‌دهد که فرایند آزادانه برای انتخاب شایستگان وجود داشته باشد. تا زمانی که در میان افراد، اقوال و دیدگاه‌های سیاسی مختلف، فرصت طرح و عرضه وجود نداشته باشند، نمی‌توان دست به انتخاب زد و این فرصت تنها با آزادی ممکن می‌شود. در جامعه با حضور اندیشه‌های متکثر و صداهای متعدد، تضارب آرا شکل می‌گیرد و می‌توان در روندی تعاملی، به انتخاب‌های شایسته در عرصه‌های مختلف و کارآمدی نظام دست یافت. با نهادینه شدن این ارزش و سازکارهای برآمده از آن، اختلاف نظر، آزاداندیشی و تفاوت اندیشه‌ها به رسمیت شناخته می‌شود و شهروندان در رفت و برگشت‌های فکری، گفتن‌ها و شنیدن‌های منطقی و علمی، دغدغه‌های حقیقت‌جویی، به درجه‌ای از رشد و تعالی می‌رسند که می‌توانند از میان انبوه گفتارها و پندارها، امر نیک را برگزینند.

امروزه گاه جوامع بشری گرفتار رفتارهای توده‌گرا شده و آزمندان قدرت با بهره از احساسات مردم و تحریک عواطف توده‌ها آنان را از انتخاب شایسته و برتر بازمی‌دارند، درمقابل، تضارب آراء، غالباً به رشد عقلانی جامعه یاری می‌رساند. شهید صدر با استناد به برخی از آیات قرآن کریم (زمر / ۱۷-۱۸؛ نحل / ۴۴؛ بقره / ۱۷۰؛ بقره / ۱) بر این باور است که از مزیت‌های آزادی فکری در اسلام آن است که با تقلید و جمود فکری، تسلیم شدن عقل در برابر افسانه‌ها و دیدگاه دیگران، بدون تحقیق و بررسی مخالفت می‌شود و آن هدفی که دنبال می‌شود، ایجاد و پرورش عقل استدلال‌گر و برهانی انسان است. پس برای ایجاد اندیشه آزاد، صرف این که به انسان گفته شود: هر گونه که دوست داری فکر کن، کافی نیست، آن گونه که در تمدن غربی طرح می‌شود، زیرا این گسترش در بسیاری اوقات، به بندگی فکری می‌انجامد که در تقلید، تعصب، جمود و تقدیس خرافات جلوه‌گر می‌شود، بلکه بر اساس نظرگاه اسلامی و قرآن کریم، برای پرورش و ایجاد اندیشه آزاد، ناچار باید در وجود انسان، عقل استدلالی و برهانی ایجاد شود که هر فکری را بدون تحقیق و بررسی نپذیرد و به هر عقیده‌ای، بر اساس دلیل بگردد، این امر برای آن است تا این خرد هوشیار، ضمانتی برای آزادی اندیشه باشد و نگهدارنده انسان از تفریط، تقلید، تعصب و خرافه. این نگره، جزیی از مبارزه اسلام برای رهایی درونی انسان است، همان گونه که اراده انسان از بندگی شهوات، آزاد می‌شود، به همان نحو، فکر و آگاهی انسان نیز از بندگی تقلید و خرافه می‌رهد (صدر، ۱۴۲۸، ج ۵: ۱۰۷) و توان می‌یابد تا انتخابی برتر داشته باشد. اندیشه‌رها شده‌ای که در نقطه مقابل، تعصب‌ها، تقلیدها، تقدیس‌ها و خرافات

قرار می‌گیرد، همان کاستی‌هایی که سوگمندان غالب قدرت‌پرستان از آنها برای کف آوردن قدرت یا حفظ آن از آنها بهره می‌گیرند و جلوی آزادی شهروندان را سد می‌کنند.

در همین راستا، مرحوم طالقانی می‌نویسد آیاتی مانند «وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ» (ق، ۴۵) و «أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس، ۹۹) و آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره، ۲۵۶)، شواهدی است که رسالت اسلام، متوجه به قلوب و برای برانگیختن فکر و تعقل است. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۳۸) همچنین در تفسیر این آیه که فرمود «فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ»، آمده است یعنی که‌ای محمد! تو موعظه کن، تو تنها موعظه‌گری. (قمی، ۱۳۶۷: ۴۱۸ و ر.ک. بحرانی، ۱۴۱۶: ق: ۶۴۵) و در ذیل آیه «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيَّبٍ» (غاشیه، ۲۲)، در روایتی علی بن ابراهیم نقل می‌کند که یعنی تو بر آنان نگاهبان و کاتب نیستی. (قمی، ۱۳۶۷: ۴۱۹) و (بحرانی، ۱۴۱۶: ق: ۶۴۵) مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد این که خداوند می‌فرماید «إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ» بیان این نکته است که وظیفه پیام‌آور، تذکر و هشدار است به امید آن که مورد اجابت قرار گیرد و مردم ایمان آورند، بدون اکراه و اجبار. (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۲۷۵) با انتخاب آزادانه، انسان می‌تواند تا به انتخاب برتر دست زند. آن چنان که در «آزادی سیاسی، بستری مناسب برای کسب آگاهی‌های لازم و انتقال باورها و اندیشه‌ها به دیگران فراهم می‌آید و در پرتو آن امکان تضارب آراء، انتقال باور و اندیشه صحیح به دست می‌آید و با آن می‌توان به رشد و تکامل دیگران کمک کرد (داعی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۸۲) و به انتخابی برتر دست یافت که راهبر جامعه اسلامی به سوی تصمیم‌های بهتر و سیاست‌های کارآمد باشد.

یکی از رویه‌های انتخاب برتر، شایسته‌سالاری است، فرایندی که با آن اموری چون شایسته‌خواهی، شایسته‌سنجی، شایسته‌گزینی، شایسته‌گماری و شایسته‌پروری به دست می‌آید و همه این امور جامعه را از خودکامگی قدرتمندان دور می‌سازد و کارآمدی نظام اسلامی را بیشتر می‌کند. «در ملت‌های گذشته مانند یهود، استحقاق منصب‌های سیاسی را بر پایه غنا و ثروت، ارزش‌گذاری می‌کردند، حق پادشاهی را برای کسی می‌دانستند که صاحب ثروت باشد، به همین دلیل، آن‌گاه که خداوند طالوت را شاه بر بنی اسرائیل قرار داد، اعتراض کردند به این که او فقیر است در حالی که او صفات دیگر رهبری را دارا بود، قرآن چنین روایت می‌کند که:

أَنِّي يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ

نقش آزادی در کارآمدی ... (سید کاظم سید باقری و مهدی حسینی باقری) ۱۱۳

گفتند: «چگونه او را بر ما پادشاهی باشد با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و به او از حیث مال، گشایشی داده نشده است».

سپس خداوند فرمود:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ (بقره، ۲۴۷)

پیامبرشان گفت «در حقیقت، خدا او را بر شما برتری داده، و او را در دانش و جسم بر شما برتری بخشیده است».

اشاره‌گر به آن که طالبوت شایسته رهبری است و همین امر در هدایت، ولایت، سیاست و مدیریت مهم است. حضرت یوسف (ع) به همین ملاک یعنی کفایت و شایستگی سیاسی اشاره می‌کند، آن گاه از عزیز مصر درخواست کرد تا گنجینه‌های شهر و امر اقتصاد را به او واگذارد، (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۱ ق: ۴۱۱) پس فرمود: «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف، ۵۵) اسلام کفایت و لیاقت را معیار پایه‌ای سیاست و مدیریت می‌داند و تقسیمات طبقه‌ای یا امور اعتباری مادی، جایگاهی ندارد. با توجه به همین امر است که پیامبر اسلام (ص) فرمود:

مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ فِيهِمْ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنْهُ وَأَعْلَمُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَجَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ (سیوطی، ۱۴۰۱ ق: ۴۵۵)

هر گاه کسی را در میان مسلمانان، به کار گیرد و رئیس قرار دهد، در حالی که بداند در میان آنان کسی شایسته‌تر و عالم‌تر به کتاب خدا و سنت پیامبرش وجود دارد، به خدا و رسولش و همه مسلمانان خیانت کرده است.

با تاکید بر همین امر، ایشان در سخنی دیگر می‌فرماید:

مَنْ وَلى مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا، فَأَمَرَ عَلَيْهِمْ أَحَدًا مُحَابَاةً، فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا، حَتَّىٰ يُدْخِلَهُ جَهَنَّمَ (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲: ج ۴: ۱۰۴)

اگر شخصی امر مسلمین را عهده‌دار شود، پس فردی را از روی دوستی بر آنان بگمارد، لعنت خدا بر اوست، از او هیچ توبه و کفاره‌ای پذیرفته نمی‌شود تا زمانی که به جهنم وارد شود.

نتیجه و پیامد بسترسازی برای انتخاب برتر که از اهداف آزادی سیاسی است، حضور شایستگان در فرایندی معقول در عرصه قدرت‌ورزی است، امری که با حضور آن می‌توان

تا حد زیادی از تداوم آزادی و امکان اظهار عقیده، بدون هراس، مطمئن شد، زیرا غالباً آن‌گاه آزادی به خطر می‌افتد که قدرتمندان به گروه‌گرایی، قومیت‌گرایی، هواپرستی، شخصیت‌زدگی، تنگ‌نظری و خودمحوری دچار می‌شوند، اموری که با حضور شایستگان از حوزه قدرت و حکومت دور خواهد شد و زمینه ارتقای کارآمدی ساختار سیاسی را فراهم می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

آزادی، مشارکت سیاسی و مسئولیت‌شناسی در قبال مسائل جامعه و احساس تاثیرگذاری در سرنوشت کشور و نظام، سبب می‌شود تا از خودرایی کارگزاران نظام سیاسی کاسته شود، حاکمان، تعاملی سازنده با شهروندان بیابند و مردم آنان را برای رسیدن به اهداف جامعه و نظام، یاری کنند و موجب بالا رفتن میزان کارآمدی گردند. با توجه به آیات قرآن کریم و منطق برآمده از آن، هر مقدار که گستره مشارکت و انتخاب مردم به عنوان کارگزاران و عوامل انتخابگر بازتر باشد، آزادی دست‌یاب‌تر است، در چنین جامعه‌ای افراد می‌توانند آزادانه تکاپوی سیاسی داشته باشند، رفتار و گفتار حاکمان را نقد کنند و برای انجام این فعالیت‌ها، احساس آرامش و امنیت داشته باشند. با توجه به این توانش است که از منظر قرآن کریم، مردم، دارای حق آزادی و دخالت در تشکیل حکومت هستند و نظام سیاسی، نباید دیدگاه خود را با زور، بر مردم تحمیل کند.

حق انتخاب نیز به‌عنوان حقی پذیرفته شده برای انسان یکی از شاخصه‌های مهم آزادی سیاسی است که بر اساس آن فرد می‌تواند در حیات سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و یا تصدی مشاغل عمومی و سیاسی نقش ایفا کند. این حق یکی از نقاط مهم متمایزکننده جوامع آزاد با جوامع استبدادی است. حق انتخاب دارای ساحت‌های گوناگونی مانند حق تعیین سرنوشت، حق انتخاب شدن و در معرض گزینش دیگران قرار گرفتن است. نتیجه حق انتخاب، مشارکت توأم با احساس مسئولیت است که می‌تواند به احساس همراهی مردم با نظام سیاسی و در نتیجه به کارآمدی بیشتر آن منجر شود.

گفتگوی انتقادی و شفاف‌سازی اندیشه حق، یکی دیگر از شاخص‌های تاثیرگذار در آزادی سیاسی است که می‌تواند به کارآمدی نظام سیاسی منجر شود. وجود آزادی در عرصه اعمال قدرت و پذیرش وجود روابط علمی و تعاملات گفتگویی میان شهروندان و

حاکمیت، باعث می‌گردد تا نقد دیدگاه قدرتمندان در جامعه امکان‌پذیر گردد و کثری و نادرستی در عرصه سیاست با سنجه نقد آشکار گردد و امکان شفافیت در عرصه اندیشه و عمل فراهم گردد، امری که کارایی و مشکل‌گشایی نظام سیاسی را بالا می‌برد.

بسیاری از ناکارآمدی‌ها در نظام‌های سیاسی ناشی از حاکمیت ناشایستگان و افراد نابلدی است که منابع انسانی و سرمایه‌ای یک جامعه را نابود می‌کند و به طمع قدرت و ثروت بیشتر، اجازه حضور شایستگان در عرصه سیاسی را نمی‌دهند. شایسته‌سالاری از راه‌های گوناگون می‌تواند به کارآمدی نظام سیاسی کمک کند و موجب می‌شود تا کسانی بر صدر قرار گیرند که می‌توانند به سر پنجه عقل و تدبیر خود گره‌های بزرگی را از نظام اسلامی بگشایند.

آزادی سیاسی متعلق به شهروندان است و به واقع، آنان کارگزاران اصلی نظام سیاسی به شمار می‌روند، آنان در کنش با ساختار اگر از قدرت انتخاب برخوردار باشند، دائماً ساختار سیاسی از سوی آنان، رصد، نظارت و آسیب‌شناسی می‌شود و ساختار نیز در رسیدن به اهداف تعیین‌شده با بهره از سرمایه انسانی خلاق، آزاد و دغدغه‌مند، با موانع کم‌تری روبرو خواهد شد و به کارآمدی نزدیک‌تر می‌شود. بر پایه نظریه ساختار-کارگزار و رابطه تعاملی میان کسانی که آزادی سیاسی را تجربه می‌کنند و ساختاری که به چالاک‌ی و کارآمدی خود می‌اندیشد، می‌توان نقش آزادی سیاسی را در اموری چون حق انتخاب‌گری، انتخاب‌شدگی، تعیین سرنوشت، شایسته‌سالاری، انتخاب‌برتر، گفتگوی نقادانه و مشارکت فعالانه، رصد کرد، اموری که نظارت بر فرایند قدرت، آسیب‌شناسی و در نهایت کارآمدی نظام سیاسی را به دنبال خواهد داشت و جلوی استبداد حکومتها را می‌گیرد.

به نظر می‌رسد که پژوهش در خصوص تعاملات و روابط آموزه‌ها و اصولی دیگر چون عدالت، امنیت سیاسی-روانی، مشارکت سیاسی و احساس کرامت با کارآمدی نظام سیاسی می‌تواند موجب واشکافی هر چه بیشتر این مفهوم گردد و زمینه‌ها و مقدمات دقیق‌تر و بهتر برای حل مشکلات نظام سیاسی را فراهم سازد. آن چنان که راهبردهای برگرفته از این مطالعات نیز می‌تواند، راهگشای بسیاری از برنامه‌ریزان، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران نظام اسلامی باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، چاپ سوم، تهران، دانش و اندیشه معاصر.

آبرکراسی، نیکلاس، استفن هیل، برایاناسترنر؛ فرهنگ جامعه شناسی (۱۳۶۷)، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش.

بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ ه.ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.

بشیریه، حسین (۱۳۸۰) تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم اندیشه‌های مارکسیستی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر نی.

تجلیل، ابوطالب (۱۳۷۹)، التعلیقہ الاستدلالیة علی تحریر الوسیلة، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، چاپ دوم، قم، نشر اسراء.
حاکم نیشابوری (۱۴۱۱)، المستدرک علی الصحیحین؛ تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا؛ بیروت، دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولى

حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۹) «مسألة ساختار و کارگزار در علوم اجتماعی» روش شناسی در علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۵ و ۶۴، پاییز و زمستان، صص ۱۶۶-۱۴۷.

داعی نژاد، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶)، ایمان و آزادی در قرآن، تهران، کانون اندیشه جوان.
درستی، احمد (۱۳۷۹) «دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناسی درباره مسئله کارگزار و ساختار» فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۲، زمستان، صص ۲۴۴-۲۳۰.

ذوعلم، علی (۱۳۸۶)، تجربه کارآمدی حکومت ولایی، چاپ چهارم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

زهیری، علیرضا (۱۳۹۷) درآمدی بر مسئله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی.

سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۱ ه.ق)، مفاهیم القرآن، قم. مؤسسه الإمام الصادق (علیه السلام).
سیدباقری، کاظم و مهدی حسنی باقری (۱۳۹۸) «حق انتخاب و آزادی سیاسی از منظر قرآن کریم» سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۶، پاییز، صص ۲۶-۷.

سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۱ ه.ق)، جامع الصغیر، چاپ اول بیروت، دار الفکر.

نقش آزادی در کارآمدی ... (سید کاظم سید باقری و مهدی حسینی باقری) ۱۱۷

شفیعی، احمد و عبدالعزیز نیکبین (۱۳۹۴)، «کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری»، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۶، شماره ۱، بهار، صص ۷۵-۹۷.
صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۸) موسوعه الشهید الصدر (المدرسه الاسلامیه)، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید صدر.

صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۰)، فلسفتنا، قم، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر.
الصفار، حسن (۱۳۶۸)، چندگونگی و آزادی در اسلام، ترجمه حمیدرضا آذیر، تهران، نشر بقیع.
طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۱)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹)، تفسیر من وحی القرآن، چاپ دوم، بیروت، دار الملائک للطباعه و النشر.

فولادوند، عزت الله (۱۳۸۳)، کانت، روشنگری و جامعه مدنی، تهران، نشر طرح نو.
قمی، علی ابن ابراهیم (۱۳۶۷)، التفسیر القمّی: تحقیق: سیدطیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، قم، دار الکتاب.

کاشانی، مجید (۱۳۸۳)، «کارآمدی نظام و رویکردهای نظری آن»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان، صص ۱۱-۳۰.
کرایپ، یان (۱۳۸۱) نظریه اجتماعی مدرن از پرسونز تا هابر ماس، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران، آگه.

کلاتری، ابراهیم (۱۳۹۴)، «کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۴، شماره ۳، پاییز، صص ۴۵۶-۴۸۱.

کواکبی، عبدالرحمن (۱۳۶۲) طبایع الاستبداد، ترجمه عبدالحسین قاجار به کوشش و تصحیح محمدجواد صاحبی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۳) حکومت؛ مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران، سروش.
لیپست، سیمور مارتین (۱۳۷۴) «مشروعیت و کارآمدی»، ترجمه رضا زیب، فرهنگ توسعه، شماره ۱۸ خرداد و تیر، صص ۱۰-۱۱.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث.

مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۸۴) روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، چاپ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۱۸ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۲، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰

- مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۲ ه.ق)، بحار الانوار، تهران، المكتبة الاسلامیه.
- مدرسی، سیدمحمدتقی (۱۴۱۹ ه.ق)، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین.
- مصفا، نسرین (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، وزارت امور خارجه.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵) روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فرا اثبات‌گرایی)، تهران، دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، مجموعه آثار، چاپ سوم تهران، صدرا.
- نبوی، مرتضی (۱۳۹۷) جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های کارآمدی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۵)، «شاخص کارآمدی نظام سیاسی اسلام در ساحت مشروعیت»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۵، شماره ۱۷، تابستان، صص ۱۸۳-۲۰۴
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۴) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهباس، تهران، روزنه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی